

گفتمان پیشگیرانه‌ی سیاست جنایی مشارکتی در لوایح قضایی

علیرضا جمشیدی *

چکیده

در مفهوم مدرن و امروزی سیاست جنایی، رویکرد مشارکتی نهفته است، زیرا بی‌گمان امروز دیگر حتی تصور یک نظام سیاست جنایی بدون مشارکت جامعه، ممکن به نظر نمی‌رسد. وانگهی، روشن است که سیاست جنایی گستره وسیعی از تدابیر را در برمی‌گیرد که چیدمان منطقی این تدابیر، ما را به اهداف آن رهنمون می‌سازد. در این میان تدابیر پیشگیرانه مشارکتی به مثابه یکی از ابزارهای عمده تحقق سیاست جنایی مشارکتی مطرح است. مقاله‌ی کنونی نیز می‌کوشد که ضمن بازتعریف سیاست جنایی، نقش تدابیر پیشگیرانه را در قالب‌های کنشی و واکنشی آن از نظر تا عمل به‌ویژه چگونگی رهیابی این مفاهیم از دکتترین و آموزه‌های دانشگاهی به لوایح قضایی تقدیمی به مجلس، که در کمیسیون‌ها مراحل تصویب آن را سپری می‌کند مورد بررسی و کنکاش قرار دهد که این تدابیر پیشگیرانه با تصویب نهایی قانون‌گذار جنبه عینی به خود خواهند گرفت.

کلید واژگان:

سیاست جنایی - سیاست جنایی مشارکتی - پیشگیری از جرم - پیشگیری کنشی - پیشگیری واکنشی.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

مقدمه

چنانچه سیاست جنایی به مفهوم مدرن، موسع و امروزی آن را گستره‌ای از تدابیر توسعه محوری بدانیم که به صورتی مستقیم یا غیرمستقیم کنش‌ها و واکنش‌های ماقبل پیشگیری، پیشگیرانه یا مداخله‌گر و سزادهنده و سرکوب‌گر را از سوی پیکره اجتماع در رویارویی با پدیده بزه کاری سامان‌دهی می‌کند^۱، به روشنی و در درون این مفهوم، جایگاه همراهی، همسویی و مشارکت مردم را درمی‌یابیم، و به دیگر سخن، این مشارکت هم از شرایط لازم و مقتضی پیشگیری است و هم سیاستگذار جنایی را در سزادهی و سرکوب همراهی می‌کند. وانگهی مشارکت مردم و نهادهای اجتماعی در برنامه پیشگیری از جرم یا همان سیاست جنایی مشارکتی، موضوعی است که امروزه با رشد فزاینده و روزافزون ناهنجاری‌های اجتماعی و جرایم و عدم کارآمدی روش‌های سنتی مبارزه با جرم، به عنوان یکی از موضوع‌های مهم و قابل توجه در قلمرو سیاست جنایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. زیرا بدون تردید پیشگیری از وقوع جرم می‌تواند در تأمین امنیت فردی و اجتماعی بسیار موثر و مفید باشد.

اهمیت مشارکت شهروندان در سیاست جنایی به آن لحاظ است که قوانین و تدابیری که دولت برای سرکوبی و یا پیشگیری از جرم اتخاذ می‌کند در صورتی که از سوی مردم حمایت نشود، در معرض خطر عدم اجرا و عدم استقرار قرار می‌گیرد. سازوکارهایی چون کیفرزدایی، جرم‌زدایی و قضازدایی حتی نظریه تحدید موارد مداخله نظام کیفری، در واقع متضمن توزیع و تفویض بعضی از وظایف و صلاحیت‌های نظام عدالت کیفری به نظام‌های حقوقی غیرکیفری و توسعه تشکلهای مردمی، به

۱. به منظور مطالعه مفهوم و تعریف دیگر از سیاست جنایی بنگرید به: لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲، ص ۳۹ به بعد. همچنین ر.ک: دلماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، جلد نخست، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲، ص ۲۳ به بعد.

صورت سازمان یافته یا خودجوش است. شرکت دادن مردم در نظام عدالت کیفری و پیشگیری از بزه کاری، در واقع بر اساس همبستگی جامعه رسمی (دولت) و جامعه غیررسمی (مردم و انجمن های مردمی) شکل می گیرد. این همبستگی سبب تراکم زدایی از سیستم قضایی و هم زمان، افزایش کارایی و سرعت بخشی به عملکرد این سیستم از طریق واگذار کردن برخی از وظایف نظام عدالت کیفری به مردم می شود، که تقلیل بودجه دادگستری را نیز به دنبال دارد. زیرا بدیهی است که پیشگیری از وقوع جرم و بزه کاری بدون کمک و مشارکت مردم نمی تواند نتیجه مطلوبی حاصل نماید و حرکت های دولتی به تنهایی کافی نیست. چون جرم معضلی اجتماعی و کنترل آن وظیفه هر شهروند است.

اهمیت پیشگیری مشارکتی تا جایی است که حتی بکار یا در رساله جرایم و مجازات های خود بیان می دارد که می خواهید از وقوع جرم پیشگیری کنید؟ بکوشید تا قوانین روشن و ساده باشد و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی برای نابودی آن به کار گرفته نشود.^۲

مبنای اصلی مشارکت در پیشگیری از جرم این است که موثرترین روش مقابله با جرم و ارتقاء کیفیت زندگی در جامعه، دخالت خود شهروندان و فعالیت آن ها جهت پیشگیری از جرم است.

نظریه پیشگیری از جرم از طریق مشارکت مردم به دنبال افزایش آگاهی از عدم توانایی پلیس و نظام قضایی برای کاهش جرم و حفظ نظم اجتماعی شکل گرفته است، و از طریق آگاهی بخشی است که شهروندان درمی یابند که جرم یعنی تعرض به افراد

۲. بکار یا، سزار، رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، چاپ دوم، میزان، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲ و پس از آن، همین نویسنده در جای دیگر می گوید: وسیله دیگر پیشگیری از جرائم، پاداش دادن پرهیزگاری است... سکه افتخار در دست فرزندان هرگز تقلیل نمی یابد و بیوسه ثمره ای نیکو به بار می آورد». ر.ک.: همان، ص ۱۳۶.

انسانی و مناسبات انسان^۳. تحقیقات نشان داده است که موفقیت پلیس و نیروی انتظامی به طور قابل ملاحظه‌ای به مشارکت و همکاری شهروندان بستگی دارد و بهتر است که برخی اقدامات پیشگیرانه توسط خود آن‌ها انجام گیرد. نمونه‌های گوناگون مشارکت شهروندان در پیشگیری از جرم و یا اجرای مجازات در جوامع مختلف و برحسب نوع فرهنگ و مذهب از روزگاران قدیم معمول بوده است. در ایران نیز این گونه اقدامات رایج بوده است که می‌توان به شبگردها (نگهبانی توسط افراد یک محله)، آیین خون بس (در میان عشایر لر)، پتر یا پناهندگی (در بلوچستان) و... اشاره کرد. افزون بر آن می‌توان از نهادهای امر به معروف و نهی از منکر و «قاضی تحکیم» به عنوان مشارکت شرعی مردم نام برد.

مدل پیشگیرانه مشارکتی می‌تواند در دو قالب کنش و واکنش به عنوان یکی از راهبردهای محوری توسعه قضایی مطرح شود که آن را در لایحه قضایی پیشگیری از وقوع جرم، لایحه قضایی شورای حل اختلاف، لایحه رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان که در سال ۱۳۸۴ از سوی قوه قضاییه و دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی شده‌اند و همچنین لایحه آیین دادرسی کیفری که در سال جاری تقدیم قانون‌گذار شده است، از این حیث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) پیشگیری کنشی در لایحه پیشگیری از وقوع جرم

پیشگیری کنشی یا غیر کیفری تدابیر و اقدامات غیر سرکوبگری را دربرمی‌گیرد که پیش از ارتکاب جرم، برای مبارزه با این پدیده اعمال می‌شود. این پیشگیری با مداخله

3. T.F. Marshal: "the evolution of Restorative Justice in Britain", European Journal of criminal policy and reserche, issue, 1996, P21.

۴. این لایحه هنگام نگارش این مقاله پس از تصویب شور اول برای تصویب شور دوم در مجلس تحت بررسی قرار دارد.

در فرایند فعلیت یافتن جرم و وضعیت پیش جنایی به دنبال کاهش نرخ بزه کاری است.^۵ به دیگر سخن پیشگیری کنشی اقدامات مناسب غیر کیفری است که از طریق کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب جرم، درصدد جلوگیری از رخ دادن بزه است.^۶

بنابراین ویژگی‌های پیشگیری کنشی با توجه به تعریفی که از آن ارائه شده است دارای خصیصه‌هایی است که عبارتند از:

- اثرگذاری علیه عوامل یا فرایندهایی که در بروز بزه کاری نقش تعیین کننده‌ای دارند؛

- هدف قراردادن تمامی جمعیت یا گروهی معین.

- فقدان خصیصه قهرآمیزی و سزادهی.

به این ترتیب پیشگیری کنشی شامل پیشگیری از طریق حذف و خنثی نمودن عوامل بزه‌زا و پیشگیری از طریق حذف یا تغییر موقعیت‌های بزه‌زا است که مصادیق بارزی از آن در تدوین لایحه پیشگیری از وقوع جرم ضمن تعریف انواع پیشگیری مورد توجه قرار گرفته است.^۷

۱. پیشگیری کنشی در مبانی نظری لایحه

از جمله وظایف قوه قضاییه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی پیشگیری از وقوع جرم بوده است که همواره به دلایل مختلف این وظیفه در محاق مانده است. مهم‌ترین نکته در عدم اجرای این بخش از وظایف قوه قضاییه آن است که ابعاد پیشگیری به ویژه

۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ص ۵۶۹.

۶. برای دیدن تعاریف مختلف و انواع پیشگیری بنگرید به: صفاری، دکتر علی، مبانی نظری پیشگیری از جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴-۳۳، ۱۳۸۰، ص ۲۶۷ به بعد.

۷. گسن، رمون، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، ناشر مترجم، چاپ نخست، ۱۳۷۷، ص ۱۳۳.

پیشگیری اجتماعی، گسترده و امکانات و توان نظام قضایی کشور ناچیز است. زیرا در ریشه‌یابی علل پیشگیری مواردی از جمله فقر، بیکاری، بی‌سوادی، حاشیه نشینی، توسعه‌نیافتگی و... ملاحظه می‌شود که رفع این گونه موارد نه در چارچوب وظایف تعریف شده قوه قضاییه است و نه منابع و امکانات قوه قضاییه در حدی است که بتواند حتی در این مورد گام کوچکی بردارد.

این موضوع در میان جرم‌شناسان کشورمان نیز سال‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به گونه‌ای که برخی این وظیفه را به دو بخش تقسیم کرده و در واقع صدر بند ۵ اصل ۱۵۶ را وظیفه قوه مجریه دانسته و تنها ذیل بند ۵، که شامل اصلاح مجرمان است و آن‌هم به این دلیل که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی از سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه است، به عهده قوه قضاییه نهاده‌اند که در واقع پیشگیری، جلوگیری و کاهش نرخ تکرار جرم را از وظایف قوه قضاییه و سایر ابعاد پیشگیری از جمله پیشگیری اولیه را به عهده دولت دانسته‌اند.

برخی از جرم‌شناسان نیز به دلیل اهمیت موضوع و ضرورت تعامل و هماهنگی سه قوه، این موضوع را وظیفه رهبری دانسته‌اند.^۸

اما با نگاه به اصل ۱۵۶ قانون اساسی که صراحتاً بیان می‌دارد «قوه قضاییه ... عهده‌دار وظایف زیر از جمله «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» است،

نمی‌توان تعبیر یادشده را پذیرفت بلکه این وظیفه با توجه به انواع اقداماتی که باید برای پیشگیری از وقوع جرم انجام داد در دو بخش مدیریت و اجرا، قابل تفکیک است. در بخش نخست که اقدامات حاکمیت برای پیشگیری را شامل می‌شود و در واقع عمده وظایف اجرایی مخصوص، در حیطه‌های فقرزدایی، محرومیت‌زدایی، ایجاد اشتغال و ... را دربرمی‌گیرد؛ وظیفه قوه قضاییه عمدتاً وظیفه‌ای مدیریتی است که باید با برنامه‌ریزی،

۸ کی‌نیا، مهدی، مصاحبه با مجله راه عدالت، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴-۳، ۱۳۷۵، ص ۹.

سازماندهی، هماهنگی و نظارت این وظیفه را عملی سازد و بخش دوم که ناظر بر بازپروری مجرمان، جلوگیری از تکرار بزه کاری و به صورت مشخص وظیفه اصلاح مجرمان است. افزون بر آنچه در مؤلفه‌های اصلی مدیریت ذکر شد، اجرا را نیز شامل می‌شود. با این تفسیر در واقع قوه قضاییه در همکاری نزدیک با دولت و با ساختار مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم در بخش اول، تنها با برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و به ویژه نظارت، وظیفه خود را انجام می‌دهد و در بخش دوم، علاوه بر آن، در حیطه اجرا نیز وارد شده و خود اقدام به اجرای برنامه‌های مورد نیاز می‌نماید. بر این اساس لایحه پیشگیری از وقوع جرم تهیه و تدوین شده است.

۲. ساختارمندی پیشگیری کنشی در تعریف قانونی آن

در این لایحه که برای نخستین بار در کشور و به منظور تحقق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی در مورد وظیفه قوه قضاییه در پیشگیری از وقوع بزه تهیه و تدوین شده است، پیشگیری را مطابق ماده ۱ چنین تعریف نموده‌است: «پیشگیری از جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن». گونه‌های متعدد ملاحظه می‌شود که نویسندگان این لایحه در پرتو تعریف مذکور از یک سو برای نخستین بار امکان وجود یک تعریف قانونی از پیشگیری از جرم در قلمرو سیاست جنایی ایران را فراهم کرده‌اند و از سوی دیگر با ذکر مرحله‌های مختلف پیشگیری از جرم ساختارمندی و انسجام در سیاست‌های پیشگیری از جرم را از ضروریات برشمرده‌اند. به این ترتیب، با ارائه این تعریف رویکرد حاکم بر لایحه به صورت کنشی نمایان شده و از همین رو شوراهای عالی، استانی و شهرستانی و نیز سازمان پیشگیری از جرم باید در مقام جلوگیری از وقوع بزه کاری برآیند. به دیگر سخن لایحه در پی آن است که از تبدیل بزه کاران بالقوه به بزه کاران بالفعل و از تکرار بزه کاری بزه کاران بالفعل جلوگیری نماید.

۳. ساختارمندی پیشگیری کنشی در متن لایحه

پیش از هر چیز باید اشاره کرد که ساختار نهاد پیشگیری از بزه با تشکیل شورای عالی و سازمان پیشگیری از جرم، کمیته‌های تخصصی وابسته، و سرانجام شوراهای استانی و شهرستانی پیشگیری، در مواد ۲، ۴، ۵ و ۷ این لایحه رقم خورده است. زیرا در ماده‌ی ۲ لایحه و در اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای تهیه، تنظیم و هدایت سیاست‌های جامع و هماهنگ زمینه پیشگیری از جرم، نظارت بر اجرای آن و حمایت از مشارکت مردم و نهادها و انجمن‌های مردمی شورای عالی پیشگیری از جرم به ریاست رئیس قوه قضاییه و مرکب از نمایندگان نهادهای تقنینی و اجرایی (مسئول در زمینه پیشگیری از جرم) مانند وزیر رفاه و تأمین اجتماعی و همچنین شماری از اساتید دانشگاه در رشته‌های حقوق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تشکیل می‌شود.

همچنین از سوی دیگر مطابق ماده ۴ لایحه به منظور تهیه برنامه‌های اجرایی سیاست‌های کلان پیشگیری از جرم به ایجاد هماهنگی میان نهادهای مربوط در حوزه‌های تخصصی پیشگیری از جرم، نظارت بر اجرای دقیق مصوبات شورای عالی پیشگیری از جرم، بررسی کارشناسی نتایج اجرای برنامه‌ها و طرح‌های پیشگیری از جرم و غیره سازمان پیشگیری از جرم زیر نظر قوه قضاییه تأسیس می‌شود. این سازمان در واقع به عنوان نهاد نظارتی و هماهنگ‌کننده ایفای نقش می‌کند.

وانگهی در این لایحه برای ایجاد هماهنگی در اجرای طرح‌های پیشگیری از وقوع جرم، تشویق نوآوری‌های منطقه‌ای و تقویت سازوکارهای محلی در این زمینه، شورای استانی پیشگیری از جرم در استانداری با ریاست استاندار، نایب رئیسی رئیس کل دادگستری استان اجرایی و غیره به دبیری دادستان شهرستان مرکز استان و با حضور نهادهای مربوط اعم از قضایی، تشکیل می‌شود. در سطح شهرستان نیز براساس ماده ۷

برای هماهنگی در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهرستانی (غیر از شهرستان مرکز استان) پیشگیری از جرم و فراهم آوردن امکانات و بسترهای لازم برای اجرای آن شورای شهرستانی پیشگیری از جرم با ریاست فرماندار، نایب رئیسی رئیس دادگستری شهرستان، دبیری دادستان عمومی و انقلاب شهرستان و نمایندگان نهادهای متعدد قضایی و اجرایی مسئول در پیشگیری از جرم تشکیل می‌گردد.

در واقع در این لایحه سعی شده است ساختار پیشگیری از وقوع جرم به گونه‌ای طراحی شود که این وظیفه از یک سو شامل قوای سه گانه حاکمیتی کشور گردد و از سوی دیگر با توجه به تنوع اقداماتی که در حوزه‌های پیشگیری اجتماعی، پلیسی و قضایی باید صورت پذیرد از نهادهای مختلف حتی با مشارکت مردم بهره گرفته شود. همچنین تشکیل شورای استانی و شهرستانی پیشگیری از جرم طراحی و برنامه‌ریزی‌های شورای عالی پیشگیری را به منصفه بروز و ظهور رسانده و در واقع آنچه در سطح کلان مورد سیاست گذاری قرار می‌گیرد، به مرحله اجرا می‌گذارد تا با این تدبیر در واقع جمع بین سیاست گذاری و اجرا به نحوی شایسته عملی گردد.

۴. ظهور سیاست جنایی پیشگیرانه مشارکتی

در این زمینه باید گفت که تدوین کنندگان لایحه در شماری از مواد به خصوص ماده ۲، بند ۴ ماده ۳ و تبصره ۲ ماده ۴ مشارکت مردم در پیشگیری از جرم را به شکل منسجم و شفاف مورد توجه قرار داده‌اند. مطابق صدر ماده ۲ حمایت از مشارکت مردم و نهادها و انجمن‌های مردمی از اهداف تأسیس شورای عالی معرفی گردید و به موجب بند ۱۶ ماده ۲ سه نفر از اساتید دانشگاه به عنوان عضو شورای عالی پیشگیری از جرم پیش‌بینی شده‌اند. این امر نمودی از مشارکت نمایندگان نهادهای علمی است که با حضور در شورای عالی و تأثیرگذاری در اتخاذ سیاست‌های کلان پیشگیری از جرم تأثیر و سطح مشارکت مردم را تا مرحله سیاست گذاری بالا می‌برند. در همین راستا شورای عالی پیشگیری از جرم براساس بند ۴ ماده ۲ مکلف شده است تا در خصوص ایجاد زمینه‌های مناسب برای

مشارکت سازمان‌های غیردولتی و مردمی تدابیر لازم را اتخاذ نماید. افزون بر این، تبصره ۲ ماده ۴ این لایحه سازمان پیشگیری از جرم را موظف می‌کند که برای رسیدن به هدف‌ها و انجام وظایف خود از یک‌سو کمیته‌های تخصصی تأسیس کند و از سوی دیگر برای این امر لزوماً از نهادهای غیردولتی و مردم‌نهاد بهره گیرد.

تأکید بر استفاده از ظرفیت و توان مردم و نهادهای مدنی مورد تأکید در لایحه امر بسیار مهمی است که ضرورت ایجاد زیرساخت‌های مستحکم و قوی برای آن به نوع نگاه مسوولان عالی حاکم برمی‌گردد. در واقع اساس نقش‌دهی به مردم به میزان پای بندی مسوولانی که باید برای مردم زمینه‌سازی نمایند برمی‌گردد. و این موضوع نیز می‌تواند از جمله دغدغه‌های اجرایی و عملی مشارکت مردم در این زمینه باشد. چرا که با تغییر دولت‌ها و تغییر نگرش آن‌ها در ضرورت میزان مداخله مردم در امور مربوط به خودشان همواره این جایگاه مهم را با فراز و نشیب‌های پی‌درپی مواجه می‌سازد اما نباید این دغدغه مهم را به عنوان مانع تلقی و از اصل راهبردی مشارکت مردم دست برداشت بلکه باید با تلاش فراوان و روزافزون بسترهای مناسب را ایجاد و یا بهبود بخشید. بدیهی است راهی درازتر را باید پیمود تا طعم شیرین و جلوه‌های مشارکت مردم را در عمل دید.

به این ترتیب در صورت تصویب این لایحه در آینده‌ای نه چندان دور از پیشگیری مشارکتی کنشی و مشارکت مردم و نهادهای مردمی در پیشگیری از بزه در کشور و حقوق ایران می‌توان سخن به میان آورد. و در واقع این همان نگاه و مدل مشارکتی پیشگیرانه کنشی است. که راه را بر توسعه انواع راه کارهای پیشگیرانه مشارکتی هموار خواهد ساخت.

ب) پیشگیری مشارکتی واکنشی

پیشگیری واکنشی یا کیفری، ناظر به اقدام کیفری قبل و پس از وقوع جرم است که با بهره‌جستن از سازوکارهای نظام عدالت کیفری درصدد کاهش نرخ بزه کاری است.

ره یافت پیشگیری واکنشی، ارباب‌انگیزی فردی و جمعی، و عبرت‌آموزی می‌باشد تا از بزه‌کاری نخستین و نیز بزه‌کاری دوباره افراد جلوگیری کند.^۹ بر همین اساس این پیشگیری به دو گونه عام^{۱۰} و خاص^{۱۱} تقسیم می‌شود.^{۱۲} امروزه بسیاری از سیستم‌های عدالت کیفری، فعالیت‌های خود را بر مشارکت جامعه مبتنی ساخته‌اند. تجربه نشان داده است که حضور و مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد، نخستین گام در راستای مبارزه با بزه و بزه‌کاری بوده و مشارکت جامعه به مثابه پذیرش دموکراسی در عمل است. تحرک، ضابطه‌مند کردن و تجهیز جامعه برای پیشگیری مؤثر از وقوع جرم و به کارگیری نیروهای داوطلب اجتماعی جهت اصلاح و درمان بزه‌کاران نیازمند و افزون بر آن، توسعه سیستم‌های کنترل غیر رسمی، بیان‌گر این واقعیت است که حسن اطمینان و اعتماد جامعه نسبت به سیستم عدالت کیفری باید با پذیرش نقش مشارکتی اجتماعی در کنش و فعالیت‌های هریک از نهادهای مزبور توسعه یابد. این است که در این بخش به جلوه‌هایی از این نوع پیشگیری در لوایح قضایی شورای حل اختلاف، رسیدگی به

۹. نیازپور، امیرحسین، پیشگیری از بزه‌کاری در قانون اساسی و لایحه پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲.

۱۰. در پیشگیری واکنشی عام فرض بر این است که همه افراد جامعه بزه‌کار احتمالی هستند، بنابراین پیش‌بینی و درج ضمانت اجرای کیفری در یک متن قانونی به عنوان سلاح بازدارنده‌ای است که به منظور جلوگیری از نقض مقرراتی که وضع شده است در اختیار قوای عمومی قرار داد. در گذشته اعتقاد بر این بود که قدرت ارباب‌انگیزی جمعی از طریق نمایش عذاب و رنج شدید حاصل از مجازات‌ها تقویت می‌شود، اما امروزه تهدید بالقوه و بالفعل به مجازات، قطعیت، حتمیت و سرعت - نه شدت - در اجرای مجازات است که می‌تواند اثر ارباب‌انگیزی داشته باشد.

۱۱. در این نوع از پیشگیری تلاش می‌گردد که از تکرار بزه‌کاری جلوگیری شود. هدف، پیشگیری از بزه‌کاری مجدد بزه‌کار و تربیت دوباره او است بنابراین نظام عدالت کیفری باید در این راه به طور مؤثر وارد شود. با اینکه پیشگیری عام را از رهگذر توسل به پیشگیری وضعی می‌توان توسعه بخشید، در پیشگیری وضعی هدف اتخاذ اقداماتی است که فرایند‌گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را قطع کند. که این اقدامات عبارتند از: تقلیل وضعیت‌های ماقبل جرم، اعمال اقداماتی که منجر به بالارفتن هزینه کیفری جرم برای مجرم بشوند تا مجرم از جرم خود، سود نبرد. بنابراین پیشگیری وضعی به دوشکل، یکی جلوگیری از مجرم شدن افراد و دیگری پیشگیری از بزه‌دیدی آنان متبلور می‌گردد.

۱۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، همان‌جا.

جرایم اطفال و نوجوانان و آیین دادرسی کیفری پرداخته می شود.

۱. نقش واکنشی شوراهای حل اختلاف به مثابه جلوه ای از عدالت ترمیمی

۱.۱. از مبانی عدالت ترمیمی تا شورای حل اختلاف

امروزه به لحاظ گسترش و تعدد دعاوی اعم از حقوقی و کیفری که ناشی از علل مختلف از جمله افزایش روزافزون جمعیت، فقر مالی و فرهنگی، اطلاع نداشتن مردم از قوانین و مقررات و تورم و تراکم قوانین بوده و دستگاه قضایی که متولی این امر است به علل گوناگون از جمله کمبود نیروی انسانی و منابع مالی توان و قدرت رسیدگی به دعاوی چه کمی و چه کیفی را نداشته است، از این رو دولت ها سعی در پیدا کردن راهی غیر از رویه جاری و تصدی مطلق در رسیدگی به دعاوی را دارند. یکی از مهم ترین راه حل های جایگزین عدالت رسمی در واقع عدالت ترمیمی است. امروزه عدالت ترمیمی به مثابه فرد اجلا و مصداق بارز سیاست جنایی مشارکتی است زیرا در ساده ترین تعریف می توان آن را فرایندی دانست که به وسیله آن تمام اشخاصی که در رخ داد مجرمانه دخالت داشته اند، گردهم آیند و با مشارکت یکدیگر در مورد آثار و نتایج عمل مجرمانه و آینده بزه دیده و بزه کار و سرانجام جامعه پس از وقوع جرم چاره اندیشی نمایند.^{۱۳} برخی دیگر از نویسندگان، عدالت ترمیمی را تلاش برای ایجاد تعادل و توازن میان منافع بزه دیده و جامعه و نیاز به بازپذیرسازی اجتماعی بزه کار می دانند که با مشارکت فعال و سازنده افراد ذی نفع محقق می شود.^{۱۴} برخی دیگر از نویسندگان چون «رایت وایت» استرالیایی برای عدالت ترمیمی استانداردهایی را بیان نموده اند.^{۱۵} در مقابل برخی دیگر از نویسندگان از عدالت ترمیمی جامعه مداری سخن می رانند که نهادهای عدالت ترمیمی مانند میانجی گیری کیفری

۱۳. مارشال، تونی، عدالت ترمیمی، ترجمه ی امیر سماواتی، انتشارات خلیلیان، چاپ نخست، ۱۳۸۴، ص ۲۹.

14- M. Wright, an international approach: What is Restorative justice?, Stoccholme, 2002, online: Restorative Justice org Ulep.pdf.

را تنها در راستای همکاری و نظارت نظام عدالت کیفری سنتی می‌پذیرد.^{۱۶} با این همه به واسطه ریشه‌داری عدالت ترمیمی در آداب و رسوم و فرهنگ کهن ملت‌ها، امروزه دیدگاه‌های مربوط به آن با استقبال مواجه شده است. زیرا عدالت کیفری سنتی که نه به نیازها و حقوق و شرایط بزه کار توجه دارد و نه به لطمات و خسارات وارده به زیان‌دیده، در واقع این نظام حامی خود خوانده جامعه بود و حتی با گذشت و مصالحه میان بزه کار- بزه دیده، حقوق تعقیب در بسیاری از جرایم را برای خود محفوظ می‌داند، بدیهی است در این نظام صاحبان اصلی دعوا در حاشیه قرار می‌گیرند و تنها نظاره گر تنبیه و مجازات‌اند.^{۱۶} برعکس در عدالت ترمیمی درهای شبکه کیفری بر روی جامعه مدنی و صاحبان واقعی دعوا گشوده می‌شود و راه را بر مشارکت آنان هموار می‌سازد زیرا این نظام همواره در پی «گفتگوی گروه‌های خانوادگی»، «میانجی‌گری کیفری»، «برنامه‌های آشتی- دهی و سازش»، «هیأت‌های جبران خسارت» و توسعه چنین برنامه‌هایی است.^{۱۷} به این ترتیب در جهان کنونی به لحاظ مراتب مذکور دولت‌ها در تلاشند که در رسیدگی به موضوعات دعاوی به ویژه دعاوی کیفری قدرت خود را متمرکز به رسیدگی به جرایمی کنند که ارزش‌ها و هنجارهای اساسی جامعه را مخدوش و افکار عمومی را جریحه‌دار می‌کنند تا از این طریق بهتر بتوانند امنیت را به جامعه بازگردانند و آسایش خاطر عمومی را فراهم نمایند. برای حصول به این مقصود باید از رسیدگی به دعاوی که موجبات دل مشغولی دستگاه قضایی می‌شود دوری کرده و به دنبال راه کار عملی مطمئنی برای رسیدگی به این دعاوی که بتواند اجرای عدالت اجتماعی را فراهم سازد، باشند.

۱۵. کاپتن، هنریک، و مالچ نیکل، مارک، جرم، بزه‌دیدگان و عدالت، ترجمه امیر سماواتی، انتشارات خلیلیان، چاپ

نخست، ۱۳۸۴، ص ۱۵.

۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله الهیات و حقوق دانشگاه علوم

رضوی، شماره ۱۳۸، ص ۲۴.

۱۷. غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴.

امروزه سیاستمداران، جامعه‌شناسان، روانشناسان و حقوق دانان به این نتیجه رسیده‌اند که نظام کیفری دولتی نه تنها قدرت رسیدگی دعاوی، به ویژه دعاوی کیفری را نداشته؛ که در برخی از موارد می‌تواند موجب تحقق نیافتن عدالت و اجرای آن و چه بسا مانعی برای آن باشد و به همین لحاظ افراتیون نظام دفاع اجتماعی نوین، خواهان حذف نظام عدالت کیفری بوده و به غیر مؤثر بودن این نظام سرکوب‌گر تأکید داشته و حتی بر این عقیده‌اند که نباید از عناوین جرم و بزه در هنجارشکنی عاملان آن استفاده کرد.^{۱۸}

در اینکه نظام عدالت کیفری به تنهایی نتوانسته اهداف خود را محقق سازد، شکی وجود ندارد ولی امروزه نظام عدالت کیفری همچنان نقش خود را به عنوان یکی از عوامل اصلی اجرای عدالت اجتماعی ایفا نموده است. اعتدال‌گرایان جنبش دفاع اجتماعی نوین بر این امر، به ویژه در برخورد با جرایم خشونت‌بار تأکید و اصرار دارند.^{۱۹}

با چنین دیدگاهی امروزه در بسیاری از کشورهای جهان نهادهایی در کنار دستگاه قضایی وجود دارند که ضمن دارا بودن خصایصی که می‌تواند در اجرای عدالت و حل خصومت‌های مردم مؤثر باشد بار سنگین دستگاه قضایی به عنوان بخشی از نظام حکومتی آن‌ها را سبک و به جامعه واگذار می‌کنند. از جمله این نهادها، نهادهای مردمی است که تصدی قلع نزاع و فصل خصومت مردم را به عهده دارند. می‌توان به «دادگاه‌های رفقا»^{۲۰} در شوروی سابق و شوراهای مردمی یا community boards در

۱۸. در این زمینه بنگرید به: گراماتیکا، فیلیپو، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر هادی جلوه، پیوست جزوه درسی جامعه‌شناسی جنایی دکتر محمد آشوری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰. همچنین به منظور مطالعه دیدگاه کنونی افراتیون این نظام بنگرید به: نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، و هاشم بیگی، حمید، دانش نامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۷۷، ص ۳۱۱.

۱۹. به منظور ملاحظه دیدگاه‌های اعتدال‌گرایان دفاع اجتماعی بنگرید به: آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۹۵ و پس از آن.

۲۰. دلماس مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، جلد نخست، نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲، ص ۲۹۴.

ایالات متحده آمریکا اشاره کرد که به حل اختلاف مسالمت آمیز مردم می پردازند. از دیگر نهادهایی که در این زمینه فعال اند می توان به انجمن هایی که ارجاع موضوع اختلافات را به یک میانجی و یا انجمن حمایت از بزه دیدگان در برخی از کشورهای اروپایی واگذار می نمایند؛ اشاره نمود. در کشور ایران نخست ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه و آیین نامه اجرایی آن، زمینه را برای تأسیس و توسعه شوراهای حل اختلاف فراهم نمود و هم اکنون نیز قانونی با همین عنوان توسط مجلس تصویب شده است.

۲. ۱. پیشگیری مشارکتی واکنشی در قانون شورای حل اختلاف

با توجه به تجربه شوراهای حل اختلاف و به منظور جنبه تقنینی بخشیدن به جایگاه این شورا و پاسخگویی به نارسایی ها و انتقادهای وارد بر آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه، این لایحه تهیه و تدوین شده است. توجه به مشارکت مردم به ویژه در پیشگیری از جرم و بروز اختلاف از ویژگی های بارز این لایحه است؛ به گونه ای که هدف از تدوین این قانون «توسعه مشارکتهای مردمی در ایجاد صلح و سازش و حل اختلافات»، توصیف شده است.

به موجب ماده ۳ این قانون شورا دارای سه نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل است. رویه رسیدگی، اظهارنظر و حل و فصل دعاوی و شکایات مورد رسیدگی از سوی این شوراها جنبه غیررسمی دارد. به دیگر سخن رسیدگی ها در این شوراها اغلب بر اساس عرف و عادت و بهره گیری از انصاف صورت می گیرد. به این ترتیب نقش سازنده و مؤثر شوراهای حل اختلاف که فواید بی شماری نیز برای نظام دادگستری رسمی و رفع اطاله دادرسی دارد، در توسعه سیاست جنایی مشارکتی ایران از طریق واکنش های ترمیمی از جمله دعوت به صلح و سازش، میانجی گری کیفری و حقوقی، و سرانجام بسط و گسترش فرهنگ آشتی و عدالت ترمیمی به صورت رسمی چشمگیر می نماید. و این باور را تقویت می کند، که بهره گیری از واکنش های غیرکیفری به مثابه

یک ابزار سیاست جنایی مشارکتی از رهگذر این شوراها، در نظام سیاست جنایی ایران قابل اعمال و اجرا خواهند بود.

۲. پیشگیری مشارکتی در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان^{۲۱}: به سوی یک ره یافت پیشگیری از تکرار جرم

ممکن است در این جا پرسیده شود که منظور از «پیشگیری مشارکتی واکنشی» که در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان از آن سخن به میان آمده، چیست؟ و این مهم چگونه محقق خواهد شد؟ در این زمینه نخست باید گفت که پیشگیری رکن اساس و ستون فقرات این لایحه است و همواره انواع آن اعم از نخستین یا پیشگیری از تکرار مورد توجه بوده است. این مهم، روح حاکم بر این لایحه را تشکیل می دهد. با این اوصاف، و در این زمینه باید از رجحان و برتری پیشگیری از تکرار بزه بر انواع نخستین پیشگیری سخن به میان آورد، چه، پیداست که بهره گیری از حضور مشاور و روان شناس و مددکار و... در جلسه دادرسی، همگی حکایت از توجه به جنبه های انسانی - اجتماعی جرم دارند. در این جا نخست می خواهیم در صورت امکان میان بزه دیده و بزه کار با استفاده از این شیوه ها آشتی ایجاد کنیم، و باز هم، چنانچه این امر در جلسه دادرسی محقق نشود، با بهره گیری از این گونه کارشناسان در پی تخفیف آلام بزه دیده و نیز کاهش آثار زیان بار مجازات - غالباً حبس - بر بزه کار برآیم که خود مظهر دیگری از توجه به پیشگیری از تکرار جرم و افتادن مجدد وی در ورطه بزه کاری است. دوم آنکه این گونه رسیدگی مشارکتی است زیرا با کمک و حمایت کارشناسان ذکر شده و دعوت از طرفین و گاه خانواده آنان و جلب مشارکت آنان در فرایند دادرسی صورت می گیرد و در واقع قاضی پرونده نه قضاوت پرونده را برعهده دارد بلکه مدیریت دادرسی و مدیریت مشارکت جامعوی طرفین را عهده دار می شود. سوم آنکه، این رسیدگی واکنشی است، زیرا جلسه دادرسی به منظور اتخاذ واکنش و پاسخ دهی به جرم

۲۱. کلیات و شور اول این لایحه هنگام نگارش مقاله در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است.

تشکیل شده است، اعم از آنکه، پاسخ ما به صلح ختم شود یا آنکه جنبه سزادهنده به خود گیرد، این است که در این لایحه می‌توان از ترکیب اضافی «پیشگیری مشارکتی واکنشی» سخن به میان آورد.^{۲۲} در این میان روشن است که تهیه و تدوین لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان برای نظام قضایی کشور ضرورتی تاریخی و انکار-ناپذیر است زیرا از یک سو باید از قانونی بهره‌مند بود که پاسخگوی نیازهای اطفال و نوجوانان در حال رشد و پویای کشور باشد و از دیگر سو به نیازها و تعهدات بین‌المللی کشور به ویژه از تاریخ پذیرش پیمان‌نامه حقوق کودک که در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، پاسخ دهد. از این رو قوه قضاییه با توجه به این ضرورت‌ها و با نگاهی پیشگیرانه و حمایت‌کننده اقدام به تهیه و تدوین این لایحه و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی نمود. نگاه تدوین‌کنندگان از حیث پیشگیری مشارکتی در کنش‌ها و واکنش‌ها به پدیده بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان قابل توجه است؛ زیرا در این لایحه از چند جهت توجه پیشگیرانه به نقش و جایگاه مشارکت مردم و نیز برخوردهای غیر کیفری و غیر پلیسی پررنگ است تا آنجا که در مقدمه توجیهی آن آمده است:

«با توجه به ضرورت ایجاد بستر قضایی مناسب و متناسب با منافع کودک و جامعه به لحاظ فقدان قدرت تمیز کامل در این قشر از جامعه و تفاوت منشأ بزه‌کاری آن‌ها و برقراری محیط صمیمانه بین کودک و مقامات قضایی (برخورد غیر کیفری و غیر پلیسی) و بالاخره رسیدگی مطابق با شخصیت و روحیات آنان و با عنایت به تبعات منفی ناشی از مجازات این دسته از افراد از جمله تقویت نابسامانی‌ها و افزایش حس بدبینی نسبت به جامعه و ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی در آن‌ها و در اجرای بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تعیین عکس‌العمل مناسب و

۲۲. جمشیدی، علیرضا، گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی

دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲، ص ۹۳.

متناسب با شخصیت واقعی این گروه جهت اصلاح و تربیت آنان؛ لایحه زیر جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود.»

در ماده ۵ این لایحه نیز آمده است که «دادگاه اطفال و نوجوانان از یک قاضی و دو مشاور تشکیل می‌شود». و به موجب ماده ۷ این لایحه مشاوران دادگاه‌های اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم روان‌شناسی و تربیتی، مددکاران اجتماعی و دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناسی و تربیتی کودکان و نوجوانان (اعم از شاغل و بازنشسته) انتخاب می‌شوند.^{۲۳} در این میان روشن است که توجه به ترمیم و جبران ضرر و زیان‌های معنوی و مادی، و ایجاد حسن تفاهم و همدلی و آشتی میان بزه‌دیده و بزه‌کار جای تنبیه و عدالت کیفری سنتی را پر نموده است. بدیهی است که حضور مشاور و روان‌شناس و مددکار و... خود از یک سو به توسعه مشارکت مردم و نقش-دهی به آنان در دادرسی‌ها منجر می‌شود و از دیگر سو نتیجه آن جای‌گزینی عدالت ترمیمی به جای عدالت کیفری سنتی و توسعه صلح و آشتی میان طرفین است که با توجه به سن اطفال بزه‌کار این راه‌برد از سوی قانون‌گذار اتخاذ شده است. با این همه به منظور انتخاب مشاوران، رئیس حوزه قضایی هر محل عده‌ای را که واجد شرایط مندرج در این ماده بداند و برای هر شعبه حداقل ۸ نفر مرد و زن را به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل ۴ نفر را برای مدت ۲ سال به این سمت تعیین می‌نماید. انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

حضور مشاوران در این دادگاه و شرکت آنان در دادرسی از نگاه طراحان این لایحه چنان پراهمیت بوده که در مراحل بعدی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان نیز این مهم در تبصره ۳ ماده ۱۰ مورد توجه قرار گرفته است. به گونه‌ای که به موجب این تبصره حضور مشاوران با رعایت مفاد مواد ۵ و ۷ این لایحه، برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری استان ویژه رسیدگی به جرایم آنان الزامی است.

۲۳. لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، ماده ۷.

با این همه توجه به حل و فصل اختلافات از طریق غیر رسمی و غیر کیفری باید به مواد ۱۶ و ۱۷ این لایحه اشاره کرد. تا آنجا که ماده ۱۶ لایحه دادرسی یا دادگاه را حسب مورد ملزم به حل و فصل شکایت یا جبران خسارت ناشی از جرم یا سازش طرفین، کوشش لازم و جهد کافی به برقراری سازش بین طرفین می‌نماید تا در صورت تشخیص، موضوع را به شورای حل اختلاف محل، مددکاران اجتماعی یا هر شخص صالح دیگری به عنوان میانجی ارجاع نمایند. باید افزود میانجی نیز کوشش لازم و جهد کافی نسبت به برقراری سازش بین طرفین را به عمل خواهد آورد و در هر صورت گزارش اقدامات خود را برای اخذ تصمیم در مهلتی که دادرسی یا دادگاه تعیین می‌کند، تسلیم می‌نماید.

با این همه دادرسی پس از وصول گزارش میانجی دال بر سازش طرفین، با لحاظ مواد ۳۰ و ۳۵ این لایحه قرار موقوفی و یا تعلیق تعقیب صادر و در صورت عدم سازش پرونده را برای اخذ تصمیم به دادگاه ارسال می‌دارد. در شق اخیر ماده ۱۶ لایحه این اختیار به دادگاه نیز اعطا شده به گونه‌ای که دادگاه پس از وصول گزارش میانجی حسب مورد قرار موقوفی یا تعلیق تعقیب صادر و یا شروع به رسیدگی می‌نماید.

این نکته را هم باید افزود که به موجب ماده ۱۷ لایحه در غیر از جرایم مستوجب مجازات حد، چنانچه ضمن اجرای حکم طرفین اقدام به سازش نمایند و یا شاکی گذشت کند، اجرای حکم متوقف خواهد شد.

به موجب مواد ۲۲ و ۲۴ این لایحه به دادگاه اختیار داده شده است تا از نظر متخصصان، مددکاران و اشخاص صلاحیت‌دار، تحقیقات انجام دهد و با توجه به نظریات رسیده، اتخاذ تصمیم نماید. حضور و مشارکت وکیل مدافع نیز در جرایم و

پرونده‌های خاصی به صورت الزامی پیش‌بینی شده است.^{۲۴}

۳. گسترش پیشگیری مشارکتی واکنشی در لایحه آیین دادرسی کیفری

آیین دادرسی کیفری یکی از قوانین مهم است که حقوق و آزادی‌های فردی را در کنار حقوق اجتماعی تضمین می‌کند. آیین دادرسی نه تنها شیوه دادرسی را بر مبنایی عادلانه و منصفانه تنظیم می‌نماید. بلکه در بردارنده ظرایف و دقایقی است که از نقطه نظر آغازین کشف جرم تا مرحله اجرای احکام می‌تواند از متهم فردی متجری ساخته و یا آنکه در جهت اصلاح وی گام بردارد. هرگز نمی‌توان منکر برخوردهای اولیه پلیس و ضابطان با متهم، چگونگی نگهداری او در ساعات اولیه در مرکز پلیس و تناسب قرار صادره، چگونگی رعایت حقوق وی در این مرحله، سعی در صلح و سازش، چگونگی اجرای احکام و ... شد. قطعاً هماهنگی این مراحل نقش و خاطره‌ای را در ذهن متهم بر جای خواهد گذاشت که در تمامی مراحل بعد و حتی در تمامی عمر با خود به همراه خواهد داشت. بر همین اساس می‌توان نقش واکنشی قانون آیین دادرسی کیفری را در قوانین در مقایسه با سایر قوانین، نقشی بی‌بدیل و ممتاز دانست. زیرا در واقع قانون آیین دادرسی هر کشور قانونی است که چگونگی واکنش به پدیده مجرمانه را در دستور کار خود دارد و این مهم از تعریف آن به خوبی پیداست اما اینکه چگونه این واکنش بروز یابد، دولتی محض نباشد و چه مقدار به نقش مشارکتی مردم اهمیت داده شود بسته به شرایط جامعه و نگاه قانون‌گذار دارد. گفتنی است که هنگام تصویب قانون آیین دادرسی ۱۲۹۰ تا سال ۱۳۷۸ این قانون کمتر دستخوش تغییر و تحول بوده و بر اساس مقتضیات زمان نوشته شده بود که جز با حذف دادسراها تحول چشمگیر دیگری دربر نداشته است. ضرورت و نیازهای روز جامعه، دگرگونی‌های یکصد سال گذشته و

۲۴. با این اوصاف و پیش از تهیه و تدوین این لایحه- که تا به بار نشستن و تصویب آن نیز زمان فراوانی نیاز است- قوه قضاییه خود در جهت توسعه سیاست جنایی مشارکتی قضایی و به موجب بخش‌نامه ۱/۸۵/۱۷۹۹۲ مورخ ۸۵/۱۰/۱۶ شرایط تأسیس شوراهای حل اختلاف در کانون‌های اصلاح و تربیت سراسر کشور را فراهم نموده است.

تحولات در علوم جنایی و سایر علوم مرتبط، نوع نگرش قانون‌گذاران قرن جدید به بزه‌کار و بزه‌دیده، به خصوص تحولاتی که در پرتو یافته‌های علم بزه‌دیده‌شناسی پدیدار گشته است و مهم‌تر آنکه آیین دادرسی بر مبنای فقه اسلامی که صلح و سازش و گذشت را حتی در مهم‌ترین جرایم مانند قصاص رکن دانسته است، نیاز به دگرگونی اساسی داشت، بر همین اساس و با مطالعات گسترده به خصوص مطالعات تطبیقی، لایحه آیین دادرسی کیفری پس از چند سال تلاش مشترک جمعی از استادان علم حقوق و قضات دستگاه قضایی تدوین گردید. به موجب ماده نخست این لایحه، ماده ۱-۱۱۱ و به هنگام تعریف آیین دادرسی کیفری میانجی‌گری و صلح میان طرفین که خود تأکیدی بر پاسخ‌دهی مشارکتی است، برای نخستین بار در کشور جزو قلمرو تعریف آیین دادرسی برشمرده شده است.

با این همه، این لایحه دربردارنده دیدگاه‌ها و قواعد نوآورانه‌ای در زمینه نقش و جایگاه مشارکت مردم در پیشگیری و واکنشی به‌ویژه در فرایندهای تعقیب و رسیدگی است چندان که ماده ۶-۱۱۱ برای حقوق متهم، شاهد و بزه‌دیده نقشی گسترده قایل شده است و سایر موارد از جمله موارد زیر تبلور این نقش را روشن می‌سازد:

۳.۱. ماده ۵-۱۱۲ در خصوص جرم قابل گذشت، و مواد ۷-۱۱۲ تا ۱۳-۱۱۲ در مورد نقش مشارکتی زیان‌دیده در فرایند کیفری مشارکت وی را ضمن بازسازی و تسهیل، گسترش داده است.

۳.۲. توسعه نقش بزه‌دیده در تعیین مصادیق جرایم مشهود به‌ویژه در بند ب ماده ۱۷-۱۲۱ و نیز ذکر واژه بزه‌دیده، در واقع توسعه مشارکتی این حقوق برای اولین بار در این لایحه برای این نیمه فرآیند کیفری است. بی‌گمان در موارد دیگری نیز نظیر تعلیق تعقیب- این نهادهای مفید حقوقی- قضایی که از یک سو به منظور «فردی‌سازی امر تعقیب» و از دیگر سو به منظور «پیشگیری از بزه‌دیدگی و تکرار» جرم پیش‌بینی شده- زیان‌دیده جایگاهی رفیع یافته، همچنان که خود بزه‌کار نیز دارای چنین جایگاهی است و نهاد تعلیق تعقیب با مشارکت

خود فرد محقق می شود.

۳.۳. نقش دهی به سازمان های مردم نهاد به منظور تعقیب جرایم علیه اطفال، زنان، اشخاص بیمار، محیط زیست، میراث فرهنگی و مواردی نظیر آن در ماده ۳-۱۲۲، همچنین توسعه نقش بزه دیدگان خاص در تعقیب و جلب رضایت آنان به این منظور و نیز الزام ضابطان به آگاهی بخشی به آنان از کمک های سازمان های غیردولتی که در تبصره های ۱ و ۲ همین ماده آمده است.

۳.۴. نقش دهی به گذشت شاکی در جرایم تعزیری و بازدارنده ای که حداکثر مستوجب ۶ ماه حبس است به منظور تعلیق تعقیب از سوی دادستان موضوع ماده ۱۹-۱۲۲ و همچنین توسعه و تسری این نقش و موافقت متهم تحت شرایطی به منظور تعلیق تعقیب پاره ای از جرایم که در ماده ۲۰-۱۲۲ و تبصره ها و بندهای آن درج گردیده است.

۳.۵. پیش بینی مهلت برای حصول سازش میان بزه دیده و متهم در جرایم قابل گذشت و جرایمی که گذشت شاکی یا مدعی خصوصی مؤثر در تخفیف است آن گونه که در ماده ۲۱-۱۲۲ ذکر شده، بدیهی است که ایجاد چنین مهلتی خود فرصت را برای طرفین به منظور سازش مهیا خواهد ساخت.

۳.۶. توسعه رسیدگی ترافی و با مشارکت طرفین به منظور سازش و یا ارجاع امر به میانجی گری مندرج در ماده ۵-۱۲۵.

۳.۷. ایجاد قرارهای نظارت قضایی با مشارکت متهم مندرج در ماده ۳۲-۱۲۶ لایحه.

۳.۸. تأسیس کمیسیون استانی و ملی جبران خسارت متهمان بی گناه با مشارکت مقام های قضایی آن گونه که در مواد ۴۳-۱۲۶ و ۴۴-۱۲۶ لایحه آمده است.

افزون بر موارد یادشده به عنوان ویژگی های ممتاز قواعد و مقررات نوآورانه و متعددی به منظور حمایت از بزه دیدگان آورده شده است و همان گونه که گذشت در این لایحه «رعایت حقوق متهم و زیان دیده» جزئی از تعریف قواعد آیین دادرسی است و در این راستا ماده ی ۳-۱۱۲ این لایحه ضمن تعریف بزه دیده، راه را برای تعریف و

رعایت سایر حقوق وی باز می‌گشاید. در مجموع باید گفت در بسیاری از مواد این لایحه سخن از حمایت‌های میانجی‌گرانه، پیشگیرانه و واکنش‌های مشارکتی است و بی‌گمان به همین علت است که در ماده ۳۲-۱۲۶ یکی از اهداف نظارت قضایی «تضمین حقوق زیان‌دیده» عنوان شده و ماده ۱-۱۲۶ نیز بر این مهم تأکید دارد.

نتیجه گیری

نتیجه آنکه گفتمان پیشگیرانه سیاست جنایی به مثابه یک راهبرد اساسی در لوایح تقدیمی به مجلس شورای اسلامی، مورد توجه نویسندگان و تدوین کنندگان لوایح قضایی، نظیر لایحه پیشگیری از وقوع جرم، لایحه شوراهای حل اختلاف، لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و سرانجام جای جای لایحه آیین دادرسی کیفری بوده است. چندان که به نظر می رسد با تصویب این لوایح رفته رفته ادبیات پیشگیری که در سال های اخیر تنها در گفتمان دانشگاهیان و آموزه های حقوق دانان، جرم شناسان و نویسندگان دانشگاهی ظاهر شده بود و تنها از سطح دکترین فراتر نرفته بود. امروزه با ظهور و نهادینه شدن نظام مند این گفتمان در عمل به ویژه در پرتو راهبرد توسعه قضایی و لوایح تقدیمی به مجلس، جنبه عینی به خود گرفته است. با این همه این نکته را هم باید افزود که تا دستیابی نظام مند به پیشگیری از وقوع جرم که در صور و انواع مختلفی به ویژه در قالب های کنشی و واکنشی، مطرح است، بی گمان راهی طولانی و دراز باید پیموده شود. همچنان که قانون خوب به تنهایی توان راهبری جامعه را ندارد بلکه اجرای خوب یک قانون نیز شرط ضروری و جدایی ناپذیر راهبری و سعادت مندی یک جامعه در راه دستیابی به هر هدفی از جمله اهداف نظام سیاست جنایی آن جامعه است.

فهرست منابع

- ۱- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- ۲- جمشیدی، علیرضا، گفتمان سیاست جنایی ایران در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.
- ۳- دلماس مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، جلد نخست، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
- ۴- صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴-۳۳، ۱۳۸۰.
- ۵- غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۵.
- ۶- هنریک و مالچ نیکل، مارک، جرم، بزه‌دیدگان و عدالت، ترجمه امیرسماواتی، انتشارات خلیلیان، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
- ۷- کی‌نیا، مهدی، مصاحبه با مجله راه عدالت، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴-۳، ۱۳۷۵.
- ۸- گسن، رمون، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، ناشر مترجم، چاپ نخست، ۱۳۷۰.
- ۹- لارزرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
- ۱۰- مارشال، تونی، عدالت ترمیمی، ترجمه امیرسماواتی، انتشارات خلیلیان، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
- ۱۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۳، ۱۳۸۲.

۱۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۱۳- نیازپور، امیرحسن، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.

- 14- M. wright, an international approach: what is restorative justice?, stoccholme, 2002.
- 15- T.F.Marshal, the evolution of Restorative justice in Britain, European Journal of criminal Policy and reserche, 1996.